

الگوی پایه محیط زیست اسلامی ایرانی پیشرفت

دکتر منصور شاه‌ولی¹

چکیده

با تشدید بحران‌های زیست‌محیطی، یاری‌گرفتن از دین برای رفع آن‌ها در اواخر قرن گذشته، کانون توجه جهانی بود. در ایران نیز مراکز علمی مانند مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، درصدد تدوین الگوی پایه محیط زیست برآمد. بررسی سه دهه گذشته نشان داد رویکرد دینی باید وظیفه‌گرا باشد زیرا بدون فرامین الهی نمی‌توان درک درستی از داوری اخلاق محیط زیست پیدا کرد. بدین‌منظور، لازم است تا نسبت به طراحی الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت با پایه حفظ محیط زیست اقدام کرد و پس از تدوین پارادایم متعالی برای مبانی اخلاق محیط زیست اسلامی ایرانی، آرمان این الگو را باید تحقق مسئولیت خلیفه‌اللهی انسان نسبت به محیط زیست همراه با حکمت عملی اجتماعی «مرمت قلمرو خلافت»، «آبادسازی» و «آزادسازی منطقه خلیفه‌اللهی از نفوذ تخریبی اهریمنان» دانست. برای تحقق‌یافتن چنین افقی، باید شرایط هم‌گرایی و هم‌افزایی فرایند اسلامی‌شدن نهادهای آموزشی و پژوهشی در پرداختن به محیط زیست کشور و تعامل سازنده با جهان، به‌ویژه جهان اسلام را به‌عنوان میثاقی اسلامی ایرانی فراهم ساخت. رسالت این الگو همانا انجام پژوهش‌های نظری و عملی تبیین‌کننده علوم محیط زیست در راستای احیای قداست طبیعت با کمک منابع اسلامی مانند قرآن و آموزه‌های اهل بیت است. بالاخره اینکه، تدابیر را باید تبیین عینی، ذهنی و سیستمی مبتنی بر اجزای مشهود و نامشهود با رویکرد فرارشته‌ای و تعامل حداکثری متخصصان علوم تجربی و دینی (اسلام) به‌منظور پاسخ‌گویی به نیازهای نسل‌های حال و آینده و برآوردن حکیمانه انتظارات معنوی مورد نظر خالق هستی دانست.

واژگان کلیدی: دین، الگوی پایه محیط زیست، اسلامی ایرانی.

بیان مسئله

ضرورت ارتقای آگاهی افکار عمومی از مشکلات محیط زیست جهان، از کنفرانس 1972 استکهلم در سوئد آغاز شد و با رخداد‌های وحشتناک زیر، به اوج رسید:

• مخزن کارخانه «یونیون کارباید» منطقه «بوپال» در کشور هندوستان شبانه منفجر شد، انسان‌های بسیاری کشته شدند و منظره بسیار دلخراشی را پدید آورد؛

• فاجعه نیروگاه «چرنوبیل» در شوروی که بزرگ‌ترین فاجعه اتمی جهان محسوب می‌شد و بیش از بمب اتمی هیروشیما پرتو اتمی ایجاد کرد و مردم بلاروس و اوکراین کماکان با آن دست به گریبانند؛ و

• وقوع سیل‌های مهیب در حوضه رودخانه‌ها در سال 1988 در کشور چین.

کتاب متعددی مانند «بهار خاموش» راشل کارسون؛ «کوچک زیباست» ارنست فریدریک شوماخر و «نجات محیط زیست» اثر لستر براون، درباره وقایع مشابه منتشر شده‌اند و راه‌های برون‌رفت از چنین بحران‌های زیست‌محیطی را ترسیم کرده‌اند. نویسنده اخیر، پُراوازه‌ترین فردی است که تلاش می‌کند با انتشار سری کتاب‌های Plan B روند جهانی این رویدادها را برای مردم و مسئولان کشورهای جهان ترسیم کند. وی اعتقاد دارد باید در نگرش مردم و مسئولان نسبت به محیط زیست، تغییری سترگ پدید آید؛ ولی در عین حال معتقد است معضلات را ناشی از فناوری‌های جدید دانستن و کنارگذاشتن آن‌ها اشتباه است. به عقیده براون، برای رهایی از وضع کنونی نباید به اقتصاد قدیم برگشت و به دامان طبیعت پناه برد، بلکه باید اقتصادی جدید با رویکرد حفظ محیط زیست، از دل همین اقتصاد جوانه بزند. براون خوش‌بین است که در دو دهه آینده این جوانه‌ها رشد خواهند کرد و تمام جهان را فرا خواهند گرفت (طراوتی، 1391).

مادر¹ (1986) در بررسی تاریخ حفظ منابع طبیعی و محیط زیست از سال 1122 قبل از میلاد تا 1930 میلادی در کشورهایی نظیر چین نشان داد که این روند در دین ریشه داشته است ولی در عصر جدید، عامدانه به کارهای اجرایی و بیشتر حفاظت از جنگل‌ها بسنده شده است.

1. Mather

نگارنده این سطور با انجام رساله دکترا خود در دهه 1990 در استرالیا نیز اعلام کرد رویکرد پراگماتیسم به پایداری باید با رویکرد متعالی که بر جنبه‌های فلسفی و دینی پایداری تأکید دارد، همسو باشد زیرا بشر بارها تلاش کرده است تا جامعه را در شرایطی مانند بحران‌های زیست‌محیطی حال حاضر بدون در نظر داشتن باورها، ارزش‌ها و اعتقادهای دینی و با قراردادهای هنجاری خودساخته اداره کند اما جامعه‌ای که صرفاً با این نوع هنجارها اداره شود، جامعه‌ای است بحران‌زده که همواره متوجه معضلی می‌شود که پیش‌تر به آن نیاندیشیده، برای آن قراردادی تنظیم نکرده و توان خروج از آن را نیز ندارد، زیرا یک حکم قدسی متعالی همه‌جانبه بر جامعه حاکم نیست (طاهرزاده، 1389).

در دهه پایانی قرن گذشته و با آغاز قرن بیست‌ویکم، نهادها، مراکز علمی و اشخاص فعال در محیط زیست نیز به این حقیقت اذعان داشتند. برای مثال، بنیاد علمی، فرهنگی و آموزشی سازمان ملل متحد (یونسکو) در سال 2000 با انتشار کتاب «جهانی‌سازی و محلی‌گرایی در آموزش عالی» بر این نکته تأکید کرد که دانشگاه‌ها باید نظام آموزشی خود را براساس گلدان حکمت که بر سه دانش «ماوراءالطبیعه»، «علمی - تحلیلی» و «اخلاق و دین» استوار است، بنا نهند. این تنوع دانش را می‌توان نبض پایداری به‌ویژه پایداری زیست‌محیطی برای آموزش عالی دانست که باعث می‌شود دانش‌آموختگان برای پایداری محیط زیست و منابع طبیعی کشورشان براساس بوم فنی و معرفتی خویش تربیت کنند. از این رو، یونسکو بر فراگیری این دانش سه‌گانه توسط کارشناسان عرصه‌های گوناگون از جمله محیط زیست تأکید می‌کند (شاه‌ولی، 1389).

برای نشان دادن گرایش‌های بین‌المللی به حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی با کمک دین، باید به پژوهش سه‌ساله یک‌هزار دانشمند پیرامون این موضوع اشاره کرد که در مرکز ادیان جهان در دانشگاه هاوارد امریکا انجام گرفت. در این پژوهش آمده است ادیان باید از نیروی خود برای پایان‌دادن به بهره‌برداری لجام‌گسیخته انسان از منابع طبیعی و ایجاد مسئولیت‌پذیری مشترک برای حفظ آن‌ها استفاده کنند (شاه‌ولی، 1378). تا پفر، مدیر اجرایی وقت محیط زیست سازمان ملل نیز در گفت‌وگو با روزنامه همشهری اعلام داشت: «ما می‌خواهیم در مسائل محیط زیست، با جهان اسلام همکاری مناسب و نزدیک داشته باشیم، زیرا اعتقاد راسخ داریم ارزش‌های معنوی جهان اسلام بستر مناسب حفظ آفریده‌های خداوند و تنوع محیط زیست را فراهم می‌سازد» (شاه‌ولی و کاوری‌زاده، 1377: 103). همچنین می‌توان دعوت مدیرکل وقت سازمان ملل متحد از سران ادیان جهان در سال

2000 میلادی را برای کمک آنان به نجات زمین، یادآور شد (Shahvali, 2006). با توجه به رویکرد جهانی و اسناد بالادستی کشور، راه برون‌رفت از مسائل محیط زیست کشور، تبیین رویکرد سازگار با بوم فنی و معرفتی دین اسلام است تا دست‌اندرکاران را به درک هرچه عمیق‌تر معضلات محیط زیست به‌منظور چگونگی حفظ آن، راهبری کند. همچنین براساس سند افق چشم‌انداز ایران 1404، برای «بهره‌مندی از محیط زیست مطلوب»، باید به تهیه و تصویب برنامه‌های محیط زیست با هویت اسلامی و انقلابی متناسب با سیاست‌ها، اهداف و الزامات این سند پرداخت تا الهام‌بخش جهان اسلام و دارای تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل باشد. این کار باید با اتکا بر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی، در راستای این اسناد و با هویت اسلامی ایرانی، «هم‌گرایی» و «هم‌افزایی» پژوهش‌ها، آموزش‌ها و تولید علم محیط زیست را فراهم سازد؛ ازاین‌رو می‌توان آن را میثاق اسلامی ایرانی فرایندهای اسلامی‌شدن نهادهای آموزشی و پژوهشی برای پرداختن به محیط زیست کشور و همچنین تعامل سازنده با جهان، به‌ویژه جهان اسلام دانست.

با توجه به آنچه بیان شد باید گفت که مسئله این مقاله، تبیین اجزای پنج‌گانه مبانی، آرمان‌ها، افق، رسالت، و تدابیر الگوی پایه محیط زیست اسلامی ایرانی پیشرفت است.

مبانی نظری و پیشینه

نهادهای بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی که برای حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی به فعالیت می‌پردازند، تلاش خود را به صدور اعلامیه‌هایی نظیر «اعلامیه زمین» 1992 ریودوژانیرو، و عقد معاهده‌هایی همچون «معاهده کاهش گازهای گلخانه‌ای کیوتو» و «معاهده حفظ تنوع زیستی بهار سال 1993»، معطوف کرده‌اند (براون و کین، 1374). در این راستا، برخی مراکز علمی و دانشگاهی جهان نیز به پژوهش و آموزش پرداختند، مانند بخش ادیان دانشگاه باکنل، کمیته طبیعت دانشگاه هاروارد و مؤسسه پنچینگ¹ ایالات متحده آمریکا (شاه‌ولی، 1381).

ازسوی‌دیگر می‌توان از اشخاص سرشناس فعال بین‌المللی مانند جان‌گریم و همسرش اولین توکر² نام برد که از اعضای مرکز جهانی مطالعات ادیان دانشگاه هاروارد هستند. توکر در اوایل قرن حاضر چنین می‌گوید: «بحران‌های زیست‌محیطی، ادیان جهان را به اعلام نظر فراگیر دعوت می‌کند

1. Department of Religion, Bucknell University, USA. Harvard University, Committee on the Environment, USA. The Harvard-Yenching Institute, USA.

2. Evelyn Tucker

زیرا ادیان می‌توانند خود را برای بیدارباش جهانی همه‌جانبه و اخلاقی به کار برند. ادیان، نقش سنتی خود را تغییر خواهند داد؛ بنابراین کانون توجه را از انسان فراتر برده و طبیعت و تمامی مخلوقات را در بر خواهند گرفت» (Evelyn Tucker, 2002: 12-13).

سید حسین نصر صاحب‌نظر فعال بین‌المللی نیز دو کتاب در این باره منتشر کرده و معتقد است: «باید معرفت دینی درباره طبیعت، جهان‌شناسی‌های سنتی و علوم مقدسی را که کماکان در بسیاری از نواحی غیرغربی عالم محفوظ است، حیاتی دوباره بخشید» (نصر، 1386: 12).

در همین رابطه استاد جوادی‌آملی معتقدند: «افراد اهل اجتهاد یا پژوهشگران خبره موظفند فروعات زیست‌محیطی را برای زندگی سالم و بهره‌مندی از آن، از قوانین کلی دین استنباط کنند. لازمه این اجتهاد را دینی کردن علوم و این را منوط به فلسفه علوم زیست‌محیطی می‌دانند که فلسفه مضاف محیط زیست نامیده می‌شود و برگرفته از فلسفه مطلق است» (جوادی‌آملی، 1386: 107).

در پاسخ به این پرسش که در حال حاضر گرایش جهانی به دین برای حفظ محیط زیست، چگونه است، باید گفت دو گرایش دینی به حفظ محیط زیست وجود دارد:

نخست، گرایش فایده‌گرای دینی که بر استفاده عملی از دین در قالب «توصیه‌ها»، «بایدها و نبایدها» و «آموزه‌های» دینی استوار بوده و مطلوب مجامع غربی است و بر نظریه اخلاقی فایده‌گرایی مبتنی است زیرا: «نتیجه مطلوب برای یک عمل را رسیدن به حداکثر شادی اکثریت افراد می‌داند و معیار اصلی ارزشیابی درستی یک کار، مجموع یا متوسط منفعت آن برای یک جمعیت است. به این ترتیب، اعمالی که سود اکثریت را حتی همراه با داشتن ضرر برای یک اقلیت تأمین کند، مورد تأیید است... در مکتب فایده‌گرا انگیزه‌ها اهمیتی ندارند، بلکه فقط نتایج مهم‌اند، زیرا اساس ارزیابی اعمال، میزان منفعت یا شادی است» (عابدی سروستانی و همکاران، 1391: 46-47).

دومین گرایش، وظیفه‌گرایی دینی¹ است که بیشتر از سوی مسلمانان پیرو مکتب اسلام در کشورهای مشرق‌زمین مانند ایران مطرح است و اعتقاد دارد، ارزش اخلاقی یک عمل به نتایج آن ربط ندارد بلکه به نوع آن وابسته است. به این معنا که عملی درست است که براساس اصول اخلاقی درست انجام گیرد. برخلاف فایده‌گرا که هدف، وسیله را توجیه می‌کند در وظیفه‌گرا، ابزار به‌هیچ‌وجه توجیه‌کننده هدف نیستند. طبق این نظریه نمی‌توان بدون دین، درک درستی از اخلاق

1. Deontology

الگوی پایه محیط زیست اسلامی - ایرانی پیشرفت

داشت زیرا انسان نمی‌تواند بدون فرامین الهی، از داوری‌های اخلاقی درست و نادرست و معانی آن‌ها، درک درستی داشته باشد. بسیاری از یهودیان معتقدند فرمان‌های الهی عمدتاً همان ده فرمان است. مسیحیان معتقدند همه فرمان‌های خداوند را می‌توان در فرمان محبت خلاصه کرد. از نظر مسلمانان نیز فرمان‌های الهی همان احکام قرآنی هستند. به‌طورکلی در گرایش وظیفه‌گرا، خاستگاه اخلاق، همانا فرامین الهی است (عابدی سروستانی و همکاران، 1391: 46-47).

با توجه به قدرت تفکر و تعقل انسان، انتظار می‌رفت هر روز بیش از پیش به قدرتی تبدیل شود که بتواند معیارهای ارزشمند محیط زیست را حفاظت و بهبود بخشد، اما به نظر می‌رسد انسان به طرز روزافزونی به نیرویی مقتدر تبدیل می‌شود که آشفته‌گی بستر حیات و قطع ریشه‌های هستی خویش را سبب می‌شود، زیرا با پایان قرون وسطی و آغاز عصر مدرن در اروپا، تغییرات فرهنگی عمیقی در نگاه انسان به پیرامون خویش از جمله محیط زندگی او به وجود آمد و همپای رشد فناوری‌ها، به آن سطح از توانایی رسید که در محیط زندگی خویش، دخل و تصرف‌هایی را انجام دهد که به‌هیچ‌وجه قابل برگشت نباشد. این سرآغاز وقوع خسارت‌های شدید بر پیکره طبیعت از جانب انسان بود. در این میان، بیش از همه تغییر نگاه انسان به طبیعت، منشأ آسیب‌های محیط زیستی بوده است (شاه‌مراد، 1390). زیرا افرادی مانند فراسیس بیکن این نظر را طرح کردند که خرد جمعی انسان‌ها نسبت به حکمت حاکم بر طبیعت، برتری دارد و می‌توان با فناوری بر آن حکومت کرد. غافل از اینکه خرد جمعی وقتی کارساز است که با نور توحید منور شود و جهت‌گیری کند. حاصل پیروی از خرد جمعی آن شد که امروز روح معنویت از جهان رخت بر بسته است (طاهرزاده، 1387). درحالی‌که این مهم جز با تبیین ماهیت دیدگاه‌های اخلاق دینی اسلام، و با «خودبوم‌شناسی» دینی و جز با یاد خدا امکان‌پذیر نیست، زیرا تعامل مناسب انسان با محیط زیست و حفظ آن را به همراه دارد که با خودشناسی و صیانت از نفس، به خداشناسی می‌رسد و در رفتار با سایر مخلوقات مثل محیط زیست نیز از راهنمایی خداوند بهره می‌گیرد (عابدی سروستانی و همکاران، 1386: 67-68).

چنانچه بر مبنای دین و از منظر وظیفه‌گرایی دینی، برای حفظ محیط زیست اجماع به عمل آید، بهره‌برداران، کارشناسان، محققان، دانش‌آموختگان، استادان، مدیران و سیاست‌مداران عرصه محیط زیست باید با تأکید بر آن پیشگام شوند، ولی پیش از آن باید اجزای الگوی پایه محیط زیست را برای این منظور تبیین کرد.

با توجه به این واقعیت که پارادایم‌ها، جهان‌بینی‌هایی همراه با فرض‌های خاص هستند (Teddlie and Tashakkori, 2009)، اجزای هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی، روش‌شناسی (شاهولی و همکاران، 1386؛ افضل‌ی، 1389) و ارزش‌شناسی (Heron and Reason, 1997; Knutsen, 2009; Plack,) (2005) را شامل می‌شوند. تبیین اجزای پارادایم متعالی الگوی پایه زیست‌محیطی، به چهار پرسش اساسی پاسخ می‌دهد:

1. واقعیت طبیعت - محیط زیست چیست؟ هستی‌شناسی محیط زیست از منظر پیدایش، بهره‌برداری و معضلات آن چگونه باید باشد؟
2. چگونه می‌توان طبیعت را شناخت (شناخت‌شناسی طبیعت چگونه باید باشد)؟
3. روش‌های مواجهه با بحران‌های محیط زیست چگونه باید باشد؟
4. چه ارزش‌هایی برای حفظ محیط زیست برتری دارند؟ و ارزش‌گذاری محیط زیست چگونه باید باشد؟

با توجه به موارد بالا، پرسش‌ها پیرامون اجزای الگوی پایه محیط زیست اسلامی ایرانی پیشرفت عبارتند از اینکه مبانی این الگو کدامند؟ چه آرمان‌هایی را باید مد نظر داشت؟ افق و چشم‌انداز این الگو چیست؟ چه رسالتی را باید برای این الگو تعریف کرد؟ و در آخر اینکه چه تدابیری را باید برای عمل به این الگو اندیشید؟

مبانی الگوی پایه محیط زیست

اجزای پارادایم این الگو با پاسخ به پرسش‌های چهارگانه گفته‌شده به قرار زیر است:

1. واقعیت طبیعت چیست؟

مادی‌گرای جامع‌شناسی محیط زیست، به مستقل بودن محیط زیست از رفتار و ادراک‌های انسان معتقدند (Foster and Clark, 2008). درحالی‌که باید انسان را متعلق به محیط زیست دانست و بین او و محیط، مرزی را قرار نداد. در حقیقت، محیط واقعیتی جدا از انسان نیست، بلکه سازه‌ای است که با تعاملات نیروهای اجتماعی - اقتصادی و محیط فیزیکی شکل می‌گیرد و درک می‌شود (Palmer, 1998). همچنین دین اسلام، انسان و نظام‌هستی را هماهنگ و مکمل می‌داند (رمضان اختر، 1381). در یک شعور توحیدمحور، انسان‌ها با هم برابر و در صلح با همدیگر و محیط هستند

(Pal, 2011)؛ از این رو اخلاق اسلامی بر اساس واقعیت زیستی است و مخالف ایدئال‌گرایی فردی در استفاده از امکانات جمعی و حقوق انکارناپذیر قوانین طبیعی است (Schuon, 1998)؛ بنابراین در بینش توحیدی، خدای انسان، همان خدای طبیعت است و همان علم و حکمت خداوندی در آفرینش انسان، در آفرینش طبیعت نیز به کار رفته است (هاشمی، 1377). دین اسلام هیچ‌گاه زمینه پیدایش انسان پرمته‌ای، یعنی آزاد از مسئولیت را در قبال جهان و طبیعت و در قبال خدایی که حقیقت غایی است، نمی‌پذیرد (نصر، 1378)؛ از این رو حاکمیت برنامه‌های اقتصادی بهره‌کشانه از محیط زیست و فراموشی دین - معنویت در تفکرات تصمیم‌گیران اقتصادی از دلایل بی‌اعتنایی به محیط زیست است (متفکر آزاد، 1384)؛ بنابراین واقعیت محیط زیست از ورای عینیت آن و با قائل شدن معنویت تعریف می‌شود. اگرچه برای هستی باید عینیت واقعی قائل بود، ولی صرفاً قائل به آن نیست. همین‌طور، تصرف در آن به قوانین حاکم بر آن و هنجارهای اجتماعی محدود نیست بلکه به اراده خالق نیز وابسته است.

2. چگونه می‌توان محیط زیست را شناخت؟

در فلسفه علم، شناخت‌شناسی به مطالعه چگونگی شناخت انسان از اشیا و محدودیت‌های شناخت او می‌پردازد (Moseley, 2002). در حقیقت، شناخت‌شناسی بازتاب چگونگی تفکر انسان پیرامون باورها، عقاید و فعالیت‌های شناخت‌شناسی اوست (Hofer, 2008).

با دیدگاه انسان‌محور، با جدایی انسان از طبیعت، انسان ارزش بالاتری پیدا می‌کند (Evans, 2005) و از این رو انسان‌ها موجودات ذی‌حقی انگاشته می‌شوند که تسلط بر طبیعت در راستای مطیع‌ساختن آن برای اهداف ابزاری اولویت پیدا می‌کند (Beckmann, et. al., 1977). انسان موجودی ویژه با توانایی متمایزکننده استعداد روانی و ویژگی‌های ذهنی است که به‌تنهایی از آنها برخوردار است (McDonald, 2004). چنین انسانی خویشتن را بخشی از طبیعت تجربه نمی‌کند؛ حتی از پیکار با آن سخن می‌گوید درحالی‌که فراموش کرده با پیروزی در این پیکار، خود را در جناح بازنده خواهد یافت (فراهانی‌فرد، 1385).

هرچند اسلام برای شناخت محیط زیست همانند پارادایم‌های علمی به‌ویژه انتقادی و ساختارگرایی، از عینیت‌ها آغاز می‌کند و بر تعامل عین و ذهن تأکید دارد، ولی برای این شناخت با صرف علم متوقف نمی‌شود و برای تعالی هرچه بیشتر شناخت طبیعت، از دیگر منابع معرفتی مثل

قرآن، عرفان و مکاشفه نیز بهره می‌گیرد که به دلیل این تنوع منابع شناخت، امکان حفظ هرچه بیشتر طبیعت فراهم می‌شود.

3. روش مواجهه با بحران‌های محیط زیست چگونه باید باشد؟

آموزه‌های علمی تنها راه شناخت محیط زیست و حفظ آن نیست، بلکه آموزه‌های فرهنگی، دینی و معنوی نیز می‌توانند راهی برای تعدیل و تکامل محیط زیست باشند، زیرا حفاظت از آن یک فعالیت پیچیده انسانی است که نیازمند شناخت اخلاق، دین، فرهنگ، باورها، نیازها و موقعیت‌های انسانی است (شاه‌ولی و همکاران، 1386)؛ از این‌رو اساس دانش امروز (مبتنی بر حس و تجربه)، بسیار ناتوان‌تر از آن است که منظری کلان از محیط و چگونگی حفظ آن را ارائه دهد (اصفهانیان، 1384). اسلام برای تبیین ماهیت محیط زیست و حفظ آن، به لزوم بوم‌معرفتی به‌عنوان یک وظیفه معرفتی سازگار و انسجام‌بخش با انگیزه صحیح و بنیان نظری کافی تأکید دارد که بنابر «حکمت متعالیه» به دلیل سازگاری آن با بوم‌معرفتی حاکم بر اسلام تأکید دارد. چنین حکمتی بر وحی الهی، قرآن، شریعت، عرفان و عقل برهانی مبتنی است و به عبارت دیگر، توحیدمحور است و باورهای معرفتی کانون توجه رفع بحران‌های محیط زیست قرار می‌گیرند (ابدی، 1392).

ارزش‌شناسی طبیعت چگونه باید باشد؟

ارزش‌شناسی از مباحث فلسفی است که الزام‌های تربیت اخلاقی را تعیین می‌کند (حسنی، 1383) و بر نقش و جایگاه ارزش‌ها تأکید دارد (Clark and Foster, 2008) و نشان می‌دهد در زندگی انسان چه چیزی ذاتاً و فی‌نفسه ارزشمند است (Heron and Reason, 1997). لینکلن و گوبا، این جزء را به پارادایم‌های علمی افزودند و معتقدند ارزش‌ها زیربنای اخلاق، زیباشناسی و مذهب هستند (Plack, 2005)؛ ولی آیا در پژوهش‌های محیط زیستی، صرف دانستن حقیقت در شکل گزاره‌ای علمی به‌عنوان هدف، فی‌نفسه ارزش محسوب می‌شود؟ این نکته دیدگاه ارسطو است که برتری فکری را با ارزش‌ترین هدف انسان می‌داند. چنانچه دانستن حقایق «گزاره‌ای» علمی تنها موقعیت ذاتاً ارزشمند یک پژوهش است که در نهایت به‌دست آوردن آن به هر قیمتی مشروعیت پیدا می‌کند؛ برای مثال، گزاره‌های پژوهش مانند ضرورت مشارکت در حفظ محیط زیست گرچه یک ارزش مقبول است ولی ربط آن با یک کل (خداوند)، تقدس تلقی می‌شود؛ بنابراین دیدگاه خداگرایانه است که

ارزش ارجحیت دارد و بهره‌بردار محیط زیست طبق دستورات ذات اقدس الهی و گزاره پژوهش تا جایی که به اختلال نیروهای حاکم بر محیط زیست نینجامد، عمل می‌کند (ابدی، 1392).

به‌طور خلاصه مبانی الگوی پایه محیط زیست بدین شرح است:

1. محیط زیست را باید از ورای عینیت و مقدس‌دانستن آن نگریست و تصرف در آن نباید به قوانین حاکم و هنجارهای اجتماعی محدود شود زیرا در این باره به اراده خالق نیز وابسته است. همچنین قوانین و هنجارهایی برای شناخت آن قابل قبول است که در راستای اراده الهی باشند؛ زیرا نظام محیط زیست در راستای نظام الهی است. نظام انسانی نیز باید هم‌راستای این دو نظام باشد؛
2. گرچه برای شناخت مسائل محیط زیست مثل بحران‌های آن، باید به بررسی عینی آن‌ها همراه با علوم پرداخت ولی برای این منظور از دیگر منابع شناخت مثل قرآن، عرفان و مکاشفه نیز باید بهره گرفت، زیرا منابع متنوع و متعبری را برای حفظ آن فراهم می‌آورد؛
3. شناخت محیط زیست باید با شناخت اخلاق، دین، فرهنگ، باورها، نیازها و موقعیت‌های انسانی و با رعایت بوم معرفتی اسلام باشد و برای این منظور باید از شیوه‌های اقتناع و اجماع استفاده شود و از دستور و نسخه‌پیچی خودداری ورزید. همچنین باید فرازمانی (گذشته، حال، آینده) باشد تا علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای نسل‌های حال و آینده، به انتظارات خالق متعال نیز متعهد باشد؛
4. در استفاده از «گزاره‌های» ارزشمند پژوهش برای حفظ محیط زیست، باید از وجود یک کل (خداوند) مقدس نیز بهره برد زیرا در نهایت این فرامین الهی است که ارزش تلقی می‌شوند. به عبارت دیگر، این گزاره‌های پژوهش دستاورد خرد جمعی تا جایی که خللی به نیروهای حاکم بر طبیعت وارد نکنند، ارزشمندند.

آرمان‌های الگوی پایه محیط زیست

آرمان الگوی پایه محیط زیست اسلامی ایرانی پیشرفت آن است که با گرایش وظیفه دینی و با اخلاق مبتنی بر خاستگاه فرامین الهی، قداست طبیعت را احیا کرد. برای این منظور انسان باید از جایگاه خود در این عالم آگاه باشد و متقابلاً طبیعت می‌تواند آن واقعیت معنوی درونی را که آدمی در کُنه وجود دارد، به وی بیاموزد یا یادآور شود. این مهم نیازمند بازیابی طبیعت به‌عنوان واقعیتی قدسی و نوزایی انسان به‌عنوان حافظ این امر قدسی است. برای این منظور، آفتابی‌ساختن انسان

حقیقی یعنی انسان «خلیفه الله»، ضرورتی انکارناپذیر است (نصر، 1389: 375-374).

برای تحقق مسئولیت خلیفه‌اللهی انسان نسبت به محیط زیست، حکمت عملی اجتماعی شامل «مرمت قلمرو خلافت»، «آبادسازی» و «آزادسازی منطقه خلیفه‌اللهی از نفوذ تخریب اهریمنان» می‌شود. البته خداوند نعمت‌های دیگری را در زمین قرار داده و یادآور می‌شود او کسی است که عمران و آبادی زمین را به انسان خلیفه‌الله سپرد و قدرت و وسایل آن را نیز در اختیارش قرار داد. اینکه خداوند عمران و آبادی زمین را به انسان تفویض کرد، اشاره به این دارد که وسایل لازم برای این منظور، از هر نظر آماده است؛ اما باید با کار و کوشش، زمین را آباد ساخت و منابع آن را به دست آورد. برای عمران و آبادی به یک ملت مجال می‌دهد و کارهای آن‌ها را به دست‌شان می‌سپرد (جوادی‌آملی، 1386).

در ادامه مسئولیت‌های خلیفه‌اللهی، همان‌گونه که در رفتار باید تابع خداوند بود، این اصل اخلاقی نسب به پدیده‌های طبیعت نیز باید مورد توجه فرد و جامعه قرار گیرد (اصغری لقمجانی، 1378). از آنجاکه رفتارهای اخلاقی در زمره رفتارهای غیربازتابی یا کُنشی هستند، ماهیتی ارتباطی دارند؛ یعنی با دیگر امور مرتبطند. به عبارت دیگر، کنش‌ها در روابط انسان با خود، خدا، هم‌نوعان و موجودات طبیعت ظاهر می‌شوند؛ باین‌حال، با یک دسته‌بندی می‌توان رفتارهای اخلاقی را با «خود»، «دیگران»، «خدا» و «طبیعت» سنجید (صادقی و سبحانی‌نیا، 1390) که نتایج آن‌ها در جدول زیر نمایش داده شده است. از آرمان‌های الگوی پایه محیط زیست اسلامی ایرانی پیشرفت آن است که افراد و جامعه همواره از آثار تعاملی این روابط چهارگانه آگاه باشند تا به مسئولیت خلیفه‌اللهی خویش عمل کنند.

جدول شماره 1. نتایج رفتار انسان با خود، دیگران، خدا و طبیعت

روابط	اثرات تعاملی روابط
انسان با طبیعت	تأمین نیازهای اساسی، اندوه‌زدایی، و آرامش انسان
انسان با خدا	شکرگزاری نعمت‌ها، کفران‌نکردن نعمت‌ها، محیط‌بودن خداوند
انسان با خود و موجودات طبیعت	مسئولیت، تعاون، رعایت حقوق موجودات جاندار و بی‌جان
خدا با طبیعت	آیه‌دانستن مخلوقات، نشانه قدرت و عظمت الهی، اثبات خداوند متعال

افق الگوی پایه محیط زیست

طبق سند افق چشم‌انداز ایران 1404، برای «بهره‌مندی از محیط زیست مطلوب»، باید به تهیه و تصویب برنامه‌های محیط زیست با هویت اسلامی و انقلابی متناسب با سیاست‌ها، اهداف و الزامات این سند پرداخت تا الهام‌بخش جهان اسلام و موجد تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل باشد. همچنین با اتکا بر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی، از دانش پیشرفته و توانا در تولید علم و فناوری محیط زیست برخوردار شد تا سبب «هم‌گرایی» و «هم‌افزایی» پژوهش، آموزش و تولید علم محیط زیست شود؛ از این رو می‌توان این هم‌گرایی و هم‌افزایی را میثاقی اسلامی ایرانی در فرایندهای اسلامی‌شدن نهادهای آموزش و پژوهش برای پرداختن به محیط زیست کشور و تعامل سازنده با جهان به‌ویژه جهان اسلام، تلقی کرد.

پژوهش‌های زیست‌محیطی برای تحقق این افق باید دارای ویژگی‌های باشد؛ برای مثال، آیا برخورداری پژوهشگر محیط زیست از کشف و استنباط، برای هدایت وضعیت موجود کافی است؟ به عبارت دیگر، آیا کسب یک درک عقلانی و منطقی برای بهبود وضعیت موجود کفایت می‌کند یا اینکه کسب معرفت نیز ضرورت دارد؟ بنا بر نظر قانع‌بصری (1374)، عقلانیت در پژوهش نیازمند کسب معرفت است. وی در تبیین دلایل این امر اظهار می‌دارد به‌کارگیری عقلانیت در پژوهش به معنای نگاه به گذشته است، درحالی‌که به‌کارگیری معرفت در پژوهش به معنای نگاه به آینده است. به بیان دیگر، عقل براساس بررسی منطقی یافته‌های گذشته تا حال، واقع است و براساس آن ارائه طریق می‌کند، درحالی‌که معرفت با تفسیر و تأویل فرایندها به ترسیم مسیر حال تا آینده می‌پردازد. ایشان در کلام دیگر، می‌گویند استفاده از «عقلانیت» در پژوهش یا انجام یک پژوهش عقلایی، برای پاسخ‌گویی به نیازهایی است که در گذشته و یا حداکثر زمان حال ریشه دارند. در صورتی که استفاده از معرفت در پژوهش، برای تعهد به انتظارات و آرزوهایی است که از زمان حال تا آینده تحقق پیدا می‌کنند و یا تلاش می‌شود تا تحقق پیدا کنند (Shahvali, 2006).

با توجه به مطالب گفته‌شده، «پژوهش متعادل» آن است که با «بررسی عقلایی گذشته تا حال» و «نگاه معرفتی به انتظارات آینده» انجام گیرد. همچنین ایجاد تغییر در شرایط حال، نیازمند پژوهش سه‌زمانه (گذشته، حال، آینده) است و نمی‌توان صرفاً به پژوهش دوزمانه (گذشته و حال) اکتفا کرد، زیرا یک پژوهش دوزمانه، قیاسی است؛ یعنی با منطبق به بررسی وضعیت گذشته تا حال پدیده‌های

مورد پژوهش می‌پردازد. درحالی‌که پژوهش سه‌زمانه با نقد هم‌زمان گذشته، حال و آینده و با استقرا و قیاس انجام می‌گیرد (محقق‌داماد، 1380)؛ یعنی پدیده‌هایی که در زمان حال وجود دارند، ضمن اینکه به شکلی منطقی بررسی می‌شوند، انتظارات آینده را نیز با نگاه معرفتی در نظر می‌گیرند؛ از این رو پژوهش سه‌زمانه بستر مناسبی را برای برنامه‌ریزی به‌منظور تحقق انتظارات فراهم می‌آورد. به همین دلیل، راهبرد بسیار مناسبی برای پژوهش‌های محیط زیست است (Abaidoo, 1997).

از سوی دیگر، چگونگی رفتار با طبیعت و زندگی در آن، براساس معنایی است که انسان به طبیعت و پدیده‌های آن می‌دهد. این ذهنیت دربرگیرنده شیوه به‌کارگیری علوم و فناوری در طبیعت، با توجه به ارزش‌هایی است که نوع مسئولیت انسان را در مقابل طبیعت نشان می‌دهد. از این ذهنیت به نام نظام‌های معنایی نیز یاد می‌شود که برخاسته از نوع رابطه با طبیعت و دیگران است. به بیان دیگر، این ذهنیت نوع تفکر و ارتباط با محیط پیرامون را نشان می‌دهد. لازم به یادآوری است که این ذهنیت‌ها به سوی مبدأ متعالی، جهت پیدا کرده‌اند. برای مثال، ذهنیت‌ها پیرامون ارزش ذاتی طبیعت به تدریج از «انسان‌محوری»، «زیست‌محوری» و «زیست‌بوم‌محوری» به «خدای‌محوری» تغییر یافته که به دنبال آن مسئولیت‌های پژوهشگر نسبت به طبیعت نیز از صرف مسئولیت نسبت به «انسان‌ها»، «برخی موجودات زنده» یا حتی «کل زیست‌بوم» به مسئولیت نسبت به «خداوند و مخلوقات او» تغییر کرده است. در این صورت است که فهم عقلایی پژوهشگر از «انسان»، «گونه‌های جاندار» یا «اجزای تشکیل‌دهنده یک زیست‌بوم» تا حد «نامتناهی» ارتقا می‌یابد (عابدی سروستانی و همکاران، 1391).

به‌طور خلاصه، برای «فهم محیط» به‌منظور «بهبود»، باید پیرامون مواردی به اجماع دست یافت. نخست اینکه پژوهش باید بر «درک انسان» و فهم «فلسفی - مذهبی» او مبتنی باشد، زیرا این ضرورت برای حفظ محیط زیست، بنا بر دو صبغه انسانی و دینی محیط زیست است. برای مثال، استاد جوادی‌آملی لزوم صبغه انسانی را آن می‌داند که فن شریف محیط زیست، گرچه به علوم طبیعی و تجربی برمی‌گردد، ولی کارآمدی آن، شیوه حیات بشر و تأمین سلامت و شادابی را که صبغه علوم انسانی دارد، مشخص سازد که پیش از هر چیز انسان‌شناسی لازمه آن است (جوادی‌آملی، 1386). از نگاه ایشان، اگر یک پژوهشگر محیط زیست بخواهد محیطی مناسب بنا کند، باید جامعه را به گونه‌ای صحیح تفسیر کند تا بتواند آن را تغییر دهد. در همین رابطه می‌گویند: «گرچه یک انسان مادی تصور می‌کند از خاک آفریده شده و سپس به آن برمی‌گردد: *إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ*

بِمَبْعُوثِينَ» (مومنون: 37)، ولی یک انسان موحد معمولی می‌گوید ما از خاک آفریده شده‌ایم و به لقای الهی بار می‌یابیم: «مَنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى» (طه: 55). حتی یک انسان عارف، گذشته از خلقت خاکی بشر، نفخ روح ملکوتی بشر را از نظر دور نمی‌دارد و تعبیر «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر: 29) را فراموش نمی‌کند. چنین انسانی هنگامی که به مقصد رسید، آنجا برایش آشناست و می‌گوید من در گذشته در این منزل بودم و به مهمان‌دار خویش تعهد سپردم، زیرا او از من سؤال کرد: «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» و من نیز «بَلَى» گفتم (اعراف: 172). ایشان از این صبغه انسانی محیط زیست نتیجه می‌گیرند چنین پژوهشگری می‌تواند محیط زیست خویش را در پرتو تبدیل اوصاف حیوانی به فضایل انسانی، به محیط مناسبی برای زندگی برگرداند.

در تعریف صبغه دینی محیط زیست نیز، ایشان ضمن استناد به روایات پیرامون اهمیت محیط زیست که در قالب شریعت‌های متنوع بر انبیای الهی تجلی یافته‌اند، از منظر نقد مفهوم قدسی آن و از نظر دین می‌گویند: «هر فعل یا امری که جنبه الهی و صبغه ربوبی داشته باشد، مقدس است و با استناد به «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً» (بقره: 138) می‌گویند هر چیزی که به هر نوع و ترتیبی دارای رنگ الهی باشد، امری مقدس است؛ از این رو دین همواره مردم را به دو امر مهم فرامی‌خواند: نخست اینکه از گروندگان خود می‌خواهد مرتکب اعمال زشت نشوند و به اعمالی روی آورند که نیکو و حُسن است. دوم اینکه باید به تحسین و نیکوکردن اهداف و انگیزه‌های خود همت گمارند؛ بنابراین پیام دین، دستیابی به دو هدف بزرگ «حسن فعلی» و «حسن فاعلی» است. انسان‌ها موظفند با همه توان، خود را به این دو هدف ارزشمند نزدیک کنند؛ برای مثال، در تشریح گستره امور مقدس از جمله عمل براساس دلایل عقلی می‌تواند عادلانه، عاقلانه و با تقدم مصالح ملی بر منافع شخصی انجام گیرد و همگی برای تحصیل قرب الهی باشد. ایشان پیام‌ها و تعالیم دین را تنها در نقل آیات و روایات نمی‌دانند، بلکه از ایشان حامل پیام‌های دیگر نیز هست که حجیت و اهمیت آن‌ها در ردیف دلایل نقلی است و از آن‌ها به نام «دلایل عقلی» یاد می‌کنند. ایشان سخن امام هشتم (ع) را شاهد می‌آورند که می‌فرمایند: «علینا إلقاء الاصول و علیکم التفریع»؛ «قوانین اولیه را ما القا می‌کنیم و شما فروع آن را استخراج کنید». استاد جوادی‌آملی این سخن امام را مختص فقه، اصول و علوم دینی نمی‌دانند و شامل علوم انسانی و طبیعی نیز می‌دانند و این مهم را واجب (عینی یا کفایی) می‌نامند؛ زیرا امام نفرمودند «لکم التفریع» بلکه فرموده‌اند «علیکم التفریع» که مقید و خوب

است؛ از این رو این حدیث را ناظر بر همه علوم نافع از جمله علوم محیط زیست می‌دانند که افراد اهل اجتهاد یا پژوهشگران خُبره را موظف می‌کند فروعاً زیست‌محیطی را برای زندگی سالم و بهره‌مندی از آن، از قوانین کلی دین استنباط و تفسیر کنند. ایشان لازمهٔ این اجتهاد را دینی کردن علوم و این را منوط به فلسفه علوم زیست‌محیطی می‌دانند که فلسفه مضاف محیط زیست نامیده می‌شود و برگرفته از فلسفه مطلق است. در همین رابطه ایشان می‌گویند هر حکمتی مانند حکمت متعالیه، یک حکمت عملی نظیر اخلاق، اقتصاد، سیاست و حتی تدبیر منزل را همراه دارد، زیرا جهان‌بینی یا حکمت بدون جهان‌سازی (حکمت عملی)، بیش از مجموعه‌ای از مفاهیم تجریدی و خشک نیست. دوم اینکه، پژوهش زیست‌محیطی برای «فهم محیط» و به‌منظور «بهبود» آن باید از نوع فرارشتگی باشد، زیرا گرچه پژوهش‌های رشته‌ای و حتی میان‌رشته‌ای به ترتیب به «حل مسئله» و «ایجاد معرفت» می‌پردازند، ولی پژوهش‌های فرارشتگی برای شناخت «حقیقت»، «طبیعت» و «معرفت» پدیده‌ها بر پرسش‌های بنیادینی متمرکز است که ماهیتی فلسفی - معرفتی دارند. برای مثال، پرسش و تأمل دربارهٔ ماهیت انسان، ماهیت نظام‌های دانش، ماهیت علم، ماهیت نظام‌های فکری، جهان‌بینی‌ها و ماهیت حقیقت و واقعیت از کارکردهای آن است (خورسندی طاسکوه، 1388). در همین رابطه استاد جوادی‌آملی (1386) از بی‌توجهی برخی علوم تجربی و انسانی به نظام فاعلی و غایی اشیا اعلام می‌دارند آن‌ها تنها از تشریح گذشته، حال و آینده پدیده‌ها سخن می‌گویند و از مدار بسته «نظام داخلی» پدیده‌ها بحث می‌کنند، ولی درباره «نظام فاعلی» و «نظام غایی» آن‌ها هرگز سخن نمی‌گویند. برای مثال، در تبیین کیفیت پیدایش معدن در دل خاک یا پرورش آن در سینه کوه و ادواری که پشت سر گذارده و تحولات کنونی و تطورات آینده آن، از «پدیدآورنده» این پدیده مادی هیچ‌گونه سخنی به میان نمی‌آید. چنان‌که از «هدف» این پدیده و سلسله‌اهداف پدیده‌ها که «واجب‌الوجود» است و «ذاتش» هدف نهایی تمام موجودات هدف‌دار است نیز سخنی به میان نمی‌آید. نصر (1388) در این باره می‌گوید: «باید به معرفت دینی درباره طبیعت، جهان‌شناسی‌های سنتی و علوم مقدسی که کماکان در بسیاری از نواحی غیرغربی عالم محفوظ است، حیاتی دوباره بخشید» و در عین حال، میراث سنت غرب در این حوزه را به‌صورت جدی احیا کرد. اگرچه در پژوهش‌های قرن گذشته محیط زیست با رویکرد فرارشته‌ای و غالباً با دو نوع تعامل «افقی» و «عمودی» به کار گرفته شده است، ولی از تعامل مورب به معنای بهره‌گیری از دانش بشری که با

آموزه‌های شرعی و فطری تلفیق شده باشد و دانشی را به وجود آورد تا اجماع برای حفظ کره زمین را سبب شود، هیچ‌گونه استفاده‌ای نشده است (Shahvali, 2006). درحالی‌که تفسیر پدیده‌های محیط زیست که نوعی تبیین است، بیش از هر چیز «هدف» یا «غایتی» را مورد نظر دارد (جمشیدی، 1389). به عبارت دیگر، کلیه پژوهش‌های زیست‌محیطی باید بر این اجماع پیدا کنند که چگونه می‌توان هدف و غایت توحیدی آفرینش را برای حفظ کره زمین محقق ساخت؟

رسالت الگوی پایه محیط زیست

تفکر دنیای متجدد به دیدگاهی انجامید که انسان را موجودی بیگانه با طبیعت دانست و طبیعت را نه آغازگر حیات بلکه توده‌ای بی‌جان و ماشینی انگاشت که به جدایی قوانین طبیعت از قوانین اخلاقی انجامید؛ در نتیجه، بسیاری از الهی‌دانان مسیحی و متفکران یهودی در مغرب‌زمین، در سال‌های اخیر در مقام ارائه نوعی «الهیات محیط زیست» برآمدند؛ ولی با این همه، به‌رغم استثناهای اندک، علاقه و اهتمام بیشتر متفکران دینی در مغرب‌زمین، به طرح و تدوین اخلاق زیست‌محیطی معطوف شده است تا احیای دیدگاه دینی دربارهٔ نظم طبیعت به‌عنوان معرفتی راستین که با واقعیت کیهانی منطبق باشد. در واقع، باید به احیای علم قدسی طبیعت پردازند، ولی اکنون دریافته‌اند که معضل کنونی به دلیل نبود یک معرفتی حکمی به طبیعت و بحران معنوی درونی و نه صرفاً نتیجهٔ مهندسی نادرست طبیعت است. دیدگاه دینی دربارهٔ نظم طبیعت را باید با معرفتی مشروع مابعدالطبیعت، فلسفی، جهان‌شناختی و علمی احیا کرد؛ بدون آنکه لزوماً در مقام انکار معرفت علمی متجدد برآمد (نصر، 1388). نصر نتیجه می‌گیرد ادیان موجود در کره زمین باید بر مبنای عقیده مشترک دربارهٔ قداست طبیعت همکاری کنند. برای این منظور باید پرده‌های جهل و غرور را که قداست طبیعت را از دید بخش عمده‌ای از بشریت نهان می‌دارد، کنار زد.

در تحقق این آرمان، وظیفه دینی و مبتنی بر اخلاق مبتنی بر خاستگاه فرامین الهی، برای احیای قداست طبیعت، رسالت قشر فرهیخته جامعه یعنی پژوهشگران محیط زیست، به‌مراتب سنگین‌تر از سایر اقشار است، زیرا آنان می‌توانند در راستای احیای قداست طبیعت، با کمک منابع اسلامی مانند قرآن و آموزه‌های اهل بیت (ع) و با انجام پژوهش‌های نظری و عملی، به تبیین علوم زیست‌محیطی پردازند. برای این منظور باید رسالت خود را با پرسش‌های زیر تبیین کنند:

1. باید چه اهدافی را از مطالعات علوم زیست‌محیطی در قرآن دنبال کنند؟
 2. آیا این نوع مطالعات می‌تواند به تبیین علوم زیست‌محیطی قرآن به‌منظور بهبود وضعیت جامعه کمک کند؟

3. پژوهشگر زیست‌محیطی باید چه ویژگی‌هایی دارا باشد تا ضمن تبیین علوم زیست‌محیطی قرآن، زمینه‌ساز بهبود وضعیت جامعه باشد؟

پاسخ به سه پرسش فوق با کمک قرآن، به نوع روش پژوهش وابسته است. به عبارت دیگر، کدام‌یک از سه روش «پژوهش برای قرآن»، «پژوهش بر قرآن»، و «پژوهش با قرآن»، برای تبیین علوم زیست‌محیطی قرآن و در راستای احیای قداست آن مناسب‌تر است؟

نگارنده (شاه‌ولی، 1395) در مطالعه «روش‌شناسی تولید علم قرآن: موضوع علم حکومت‌داری ولایت فقیه» به این نتیجه دست یافت که آنچه درباره روش «پژوهش برای قرآن» می‌توان گفت آن است که این نوع مطالعه «تأیید» تأثیرپذیری موضوع مورد پژوهش از قرآن را هدف قرار می‌دهد و درصدد «تشخیص» مصادیق این موضوع در قرآن است. برای مثل، «بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه» از این روش استفاده کرد که یکی از اهداف آن، پژوهش‌های قرآنی در حوزه‌های علوم مثل ادبیات، و تلاش برای تبیین معارف قرآن کریم در این حوزه است. در این مطالعات یادآوری می‌شود محققانی که علاقه‌مند به تطبیق اشعار فارسی با قرآن هستند، می‌توانند به گزارش‌های این مطالعات مراجعه کنند، یا اگر تمایل دارند تا در این باره، اصل منابع را مطالعه کنند، می‌توانند به قسمت دوم این گزارش مراجعه کنند.

در روش «پژوهش بر قرآن»، پژوهشگر به دنبال تشخیص «ریشه‌های علم مورد پژوهش در قرآن» است. برای مثال، در موضوع «شناخت فیزیک» در قرآن در سلسله نشست‌های «دانش نوین در پرتو کلام وحی» که در «مؤسسه فرهنگی و قرآن پژوهشی هدی» و «دانشکده علوم قرآنی شیراز» و توسط یکی از اعضای هیئت علمی بخش فیزیک دانشکده علوم دانشگاه شیراز ارائه شد، نگارنده این اندیشه را مطرح کرد که فیزیک مادر علوم تجربی است و سیادت غربی‌ها از این علم است و دارنده آن از سیادت برخوردار می‌گردد و شرایط فعلی گویای آن است؛ ولی سیادت قرآن را باید نشان داد که این علم را در بردارد. اگر فیزیک را خوب بشناسیم، می‌توان جهان را شناخت، زیرا قرآن از طبیعت، مثل زمین و آسمان نام برده است که نشان‌دهنده اهمیت و لزوم شناخت آن‌هاست. حتی شناخت برخی از

آن‌ها بر دیگر علوم تقدم دارد مثل لزوم تقدم شناخت آسمان بر زمین. انسان شناخت علوم آسمانی مانند نجوم را آغاز کرد و پیش‌بینی خسوف و کسوف از آن به وجود آمد. این نوع شناخت به دلیل آن است که رزق و روزی انسان از آسمان است. مثلاً آب، باران و نور از آسمان است. حتی تمدن و فناوری از آسمان است و اگر به آسمان نگاه نمی‌کردند این فناوری‌ها به وجود نمی‌آمد. بالاخره اگر علم نجوم نبود، معلوم نبود که چه می‌شد.

گرچه دو روش «پژوهش برای قرآن» و «پژوهش بر قرآن» به دنبال ترسیم برتری قرآن هستند، ولی پرسش‌های اساسی این است:

1. آیا این نوع مطالعات باعث نخواهد شد که معرفت قرآنی «دسته دوم» محسوب شود و علم، آن هم از نوع تجربی نخستین اولویت تلقی شود؟

2. آیا نسبت‌دادن علوم به قرآن در اولویت است یا کشف علوم قرآن؟

3. آیا آنچه باعث بهبود وضعیت می‌شود، علمی است که ریشه قرآنی دارند یا تبیین علوم از

طریق قرآن و سازگاری آنان برای بهبود شرایط جوامع اسلامی است که باید تقدیس شود؟

در حقیقت این نوع مطالعات تطبیقی بین قرآن و علوم، «تشخیصی» است که برای «تأیید» برتری قرآن و یا «تأکید» بر ریشه‌داشتن برخی علوم در قرآن انجام می‌گیرند. در عالی‌ترین شکل، آن‌ها به دنبال تشخیص «جامعیت» و برتری قرآن هستند، ولی به «تغییر وضعیت جامعه» کمک چندانی نمی‌کنند، زیرا برای این امر، شناخت به‌تنهایی کافی نیست؛ بلکه باید با عمل همراه باشد (Shahvali, 2006). همچنین باید یادآور شد که روش مطالعه «تشخیصی» چه برای «تأیید» و چه به‌منظور «تأکید» بر برتری و جامعیت قرآن از منظر ریشه‌داشتن علوم در آن، ناخواسته و ناآگاهانه متأثر از هستی‌شناسی واقع‌گرا و عین‌گرای مکاتب فلسفی مثبت‌گرا و انتقادی است (شاه‌ولی و کاظمی، 1375)، زیرا به دنبال تشخیص عینی یا تجربی ریشه‌های تاریخی علوم در قرآن هستند. درحالی‌که باید بر «هستی‌شناسی مطلق توحیدی» مکتب الهی اسلام مبتنی باشند، زیرا با ایمان نیز می‌توان این برتری‌ها را باور داشت.

نگارنده (1395) در ارائه نمونه مطالعه روش «پژوهش با قرآن»، علم حکومت‌داری ولایت فقیه امام خمینی (ره) را ارائه کرده است که 15 سال را برای تبیین آن صرف کرده‌اند (خمینی، 1374) و شناخت و عمل مردم ایران و جهان را تحت تأثیر قرار دادند. درباره اهمیت روش «تبیین» باید یادآور شد که

امام خمینی (ره) تبیین را یک شیوه اعمال قدرت می‌داند که البته فهم و تجربه متفاوت آن با شیوه اعمال قدرت در سطح بین‌الملل و با سبک غربی برای ایرانیان کاملاً مشهود است (عیوضی، 1377). علامه طباطبائی (ره) نیز تبیین را همانا کشف و پرده‌برداری از علوم می‌داند (طباطبائی، 1390).

چنین تبیینی از علوم قرآن نه از باب «تأیید»، «تأکید» و به‌طور کلی «تشخیص» برتری قرآن است، بلکه برای «تبیین یا کشف» علوم قرآنی است. امام خمینی (ره) در فهارس کتاب ولایت فقیه، آیات ارجاعی حکومت‌داری ولایت فقیه را با 21 آیه قرآن¹ مستند می‌کنند (خمینی، 1374). این تبیین علم حکومت‌داری یک نظریه‌پردازی بدیل با تأثیرگذاری جهانی برای همیشه تاریخ است. این نوع نوآوری از خصلت‌های ایشان بود که حتی برای تدریس نیز فرمودند: «باید درباره مطالب، خودم بیان‌دیشم و بعد تدریس یا تدوین کنم». به سبب همین تفکر، تتبع و پژوهش که پشتوانه تدریس، تدوین و تألیفات ایشان است، موجب شد تا غالباً مطالب نو ارائه کنند. ایشان همچنین به لزوم همراهی علم و عمل معتقد بودند و در این باره می‌گویند هر دانشی ماهیتی عملی دارد و هیچ دانشی، نظری صرف نیست. این دیدگاه موجب شد ایشان وارد هر علمی که شدند به عمل به آن نیز توجه کنند (عفتی، 1388)؛ بنابراین «تبیین» علم حکومت‌داری قرآن توسط امام خمینی (ره)، مصداق بارز «پژوهش با قرآن» است که براساس مکتب مطلق‌گرای توحیدی و با روش تجربی - شهودی (شاهولی و کاظمی، 1378) و برای بقای امت و دین اسلام، بسیار سازگار است.

به‌منظور تدوین الگوی پایه محیط زیست اسلامی ایرانی پیشرفت که بر عهده پژوهشگران محیط زیست است، آنان علاوه بر به‌کارگیری روش پژوهش با قرآن باید از برخی ویژگی‌های شخصیتی نیز برخوردار باشند تا بتوانند به تبیین علوم زیست‌محیطی قرآن و در راستای احیای قداست آن بپردازند مانند:

1. تعهد هم‌زمان به نظر و عمل: این تعهد ناشی از تقواست، زیرا علم بدون عمل، خیری در آن نیست و شرط استقامت در فکر و تأثیر علم، عمل به آن است (طباطبائی، 1390)؛

2. دارا بودن شجاعت و جسارت: امام خمینی (ره) شجاعت خود را برای تبیین علم حکومت‌داری قرآن یعنی ولایت فقیه در 15 سال مبارزه نشان داد و در این باره فرمود: «والله هیچ‌گاه من نترسیده‌ام» زیرا به این باور رسیده بودند، به آن ایمان داشتند و وظیفه خود می‌دانستند که حرکت کنند تا شرایط

1. سوره‌ها و آیات: نساء: 58، 59 و 60؛ توبه: 60، 71 و 103؛ قصص: 4؛ نحل: 89؛ نور: 2؛ الرحمن: 4؛ مائده: 63، 78 و 44؛ بقره: 124؛ حدید: 25؛ احزاب: 6؛ انفال: 41 و 60.

را برای احقاق حقوق حقه اسلامی در بستر جامعه بشری فراهم سازند؛

3. دارابودن رویکرد فرارشته‌ای: این رویکرد ناشی از هم‌گرایی چشم‌اندازها و نگاه‌های علمی، فلسفی و معرفتی برای شناخت «حقیقت»، «طبیعت» و «معرفت» است، زیرا فرارشتگی، بر پدیده‌ها و پرسش‌های بنیادینی پیرامون آن‌ها متمرکز است که ماهیت فلسفی - معرفتی دارند. پرسش و تأمل درباره ماهیت انسان، نظام‌های دانش، علم، نظام‌های فکری، جهان‌بینی‌ها و حقیقت و واقعیت از موضوعات اصلی فرارشتگی است. خورسندی طاسکوه (1388) به نقل از رولاند می‌گوید ارزش رویکرد فرارشته‌ای در این است که با کنارزدن مرزهای رشته‌ای، ساختارها و رسوم گذشته، بر بی‌تعصبی پژوهش تأکید دارد. فرارشتگی در دو بُعد متجلی می‌شود: نخست، «معرفت‌شناختی» که از این منظر، فلسفه و هدف آن، تبیین و فهم هستی و کسب معرفت و نظریه‌های جهان‌شمول و وحدت‌بخش است، و دوم، انتقاد. امام‌خمینی (ره) با کمک علوم عقلی کلام و فلسفه و تربیت اخلاقی، عرفانی و سیاسی، حقیقت و طبیعت نظریه حکومت‌داری «ولایت فقیه» را برای اسلام تبیین کرد و معرفت مسلمانان را به این نوع سیاست و حکومت ارتقا بخشید؛

4. وی و دیگر نائبان ائمه هدی (ع) موحدانی هستند که خود را به توحید عملی در شکل عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی، بندگی، سادگی و جهادگری ملزم دانستند. به عبارت دیگر، خودسازی را یعنی پرورش فضائل و رفع رذائل در اوج اعلای آن را در خویش محقق کردند (طباطبائی، 1390).

بحث و نتیجه‌گیری

الگوی پایه محیط زیست اسلامی ایرانی یک سند بالادستی چشم‌اندازها و سیاست‌های کلی ابلاغی نظام و برنامه‌های توسعه محیط زیست پنج‌ساله مبتنی بر اصول اصیل اسلامی و منطبق با مقتضیات و ویژگی‌های فرهنگی، اقلیمی و طبیعی ایران است که بر عبودیت خداوند و قداست طبیعت مبتنی است تا راهنمای عمل باشد. مبانی این الگوی آن است که واقعیت محیط زیست از ورای عینیت آن و با قائل‌شدن معنویت تعریف می‌شود. اگرچه برای هستی باید عینیت واقعی قائل بود؛ ولی صرفاً قائم به آن نیست. همین‌طور تصرف در طبیعت به قوانین حاکم بر آن و هنجارهای اجتماعی محدود نیست، بلکه به اراده خالق وابسته است. هرچند اسلام برای شناخت محیط زیست همانند پارادایم‌های رایج به‌ویژه انتقادی و ساختارگرایی از عینیت آغاز می‌کند و بر تعامل عین و ذهن تأکید

دارد، ولی برای این شناخت، در علوم متوقف نمی‌شود و برای تعالی هرچه بیشتر شناخت طبیعت، از دیگر منابع معرفتی قرآن، عرفان و شهود نیز بهره می‌گیرد که به دلیل تنوع منابع شناخت، امکان حفظ هرچه بیشتر طبیعت، بهتر فراهم می‌شود.

اسلام برای تبیین ماهیت محیط زیست و حفظ آن، بر لزوم وظیفه بوم‌گرا معرفتی سازگار و انسجام‌بخش با انگیزه‌های صحیح و بنیان نظری کافی، تأکید دارد. چنین حکمت توحیدمحوری برای اداره بحران‌های محیط زیست از «گزاره‌های» ارزشمند پژوهش برای حفظ محیط زیست هم‌راستا با یک کل (خداوند) مقدس بهره می‌گیرد؛ زیرا این فرامین الهی است که ارزش تلقی می‌شوند. به عبارت دیگر، گزاره‌های پژوهش، دستاورد خرد جمعی هستند و تا جایی که در نیروهای حاکم بر طبیعت اختلال ایجاد نکنند، ارزشمندند.

آرمان این الگو، مسئولیت خلیفه‌اللهی انسان در طبیعت، شامل حکمت عملی اجتماعی «مرمت قلمرو خلافت»، «آبادسازی» و «آزادسازی منطقه خلیفه‌اللهی از نفوذ تخریبی اهریمنان» در زمین است که خداوند قدرت و وسائل آن را نیز در اختیار وی قرار داد تا با کار و کوشش، زمین را آباد سازد و منابع آن را نیز به دست آورد. همان‌گونه که در رفتار باید تابع خداوند بود، این اصل اخلاقی باید درباره پدیده‌های طبیعت نیز مورد توجه فرد و جامعه قرار گیرد. از آنجاکه رفتارهای اخلاقی در زمره رفتارهای غیربازتابی یا کُنشی انسان با خود، خدا، هم‌نوعان و موجودات طبیعت ظاهر می‌شوند، می‌توان این رفتارها را در ارتباط با «خود»، «دیگران»، «خدا» و «طبیعت» تلقی کرد که همواره باید از اثرات تعاملی آن‌ها آگاه بود تا به مسئولیت خلیفه‌اللهی خویش عمل کرد.

افق این الگو، «بهره‌مندی از محیط زیست مطلوب» است که باید با تهیه و تصویب برنامه‌های محیط زیست با هویت اسلامی و انقلابی متناسب با سیاست‌ها، اهداف و الزامات اسناد بالادستی افق چشم‌انداز ایران 1404 یا الگوی اسلامی ایران پیشرفت، محقق شود تا الهام‌بخش جهان اسلام و تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل باشد. همچنین با اتکا بر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی، از دانش پیشرفته و توانا در تولید علم و فناوری محیط زیست برخوردار شد تا باعث «هم‌گرایی» و «هم‌افزایی» پژوهش، آموزش و تولید علم محیط زیست شود؛ از این رو می‌توان این هم‌گرایی و هم‌افزایی را میثاقی اسلامی ایرانی در فرایندهای اسلامی شدن نهادهای آموزشی و پژوهشی به‌منظور

پرداختن به محیط زیست کشور و تعامل سازنده با جهان، به‌ویژه جهان اسلام، دانست. رسالت این الگو در تحقق وظیفه دینی و بنابر اخلاق مبتنی بر خاستگاه فرامین الهی به‌منظور احیای قداست طبیعت، و نیز رسالت پژوهشگران محیط زیست به‌عنوان قشر فرهیخته جامعه، به‌مراتب سنگین‌تر از دیگر اقشار است، زیرا آنان می‌توانند با پژوهش نظری و عملی به تبیین علوم زیست‌محیطی در راستای احیای قداست طبیعت با کمک منابع اسلامی نظیر قرآن و آموزه‌های اهل بیت (ع) بپردازند. برای این منظور باید از «روش پژوهش با قرآن» استفاده شود که براساس مکتب مطلق‌گرای توحیدی و با روش تجربی - شهودی امکان‌پذیر است. البته با توجه به رسالتی که برای الگوی پایه محیط زیست اسلامی ایرانی پیشرفت بر عهده پژوهشگران محیط زیست است، آنان علاوه بر به‌کارگیری روش پژوهش با قرآن از برخی ویژگی‌های شخصیتی نیز باید برخوردار باشند. تدابیر نه‌تنها باید پاسخ‌گوی نیازهای نسل حاضر و آینده باشند، بلکه به برآوردن حکیمانانه انتظارات تاریخی آیندگان و انتظارات معنوی مورد نظر خالق هستی و همچنین لحاظ شرایط محلی و نگاه بین‌المللی، به‌ویژه به کشورهای اسلامی برای حفظ محیط زیست، متعهد باشند. برای این منظور تدارک تدابیر لازم برای عمل به الگوی پایه محیط زیست به شرح زیر است:

1. برگزاری دوره‌های رسمی تحصیلات تکمیلی محیط زیست متعالی؛
 - حمایت نرم‌افزاری از تألیف، ترجمه و تدوین کتب درسی دوره‌های تحصیلی محیط زیست متعالی؛
 - تهیه و اجرای مشارکتی پروژه‌های پژوهشی محیط زیست متعالی؛
 - ارائه دوره‌ی پسادکترای برای اساتید دانشگاه‌های کشور و کشورهای اسلامی.
2. برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت آموزش محیط زیست متعالی برای:
 - اساتید، دولتمردان، مدیران و دست‌اندرکاران محیط زیست کشور و کشورهای اسلامی؛
 - برگزاری دوره‌های آموزشی آشنایی با الگوی پایه محیط زیست اسلامی ایرانی پیشرفت برای اساتید و پژوهشگران محیط زیست کشور و کشورهای اسلامی؛
 - برگزاری کارگاه‌های ویژه روش‌شناسی پژوهش تولید علوم محیط زیست قرآن برای اساتید و پژوهشگران محیط زیست کشور و کشورهای اسلامی. این کارگاه‌ها باید منطبق با الگوی متعالی آموزش روش پژوهش، مبتنی بر چشم‌انداز بوم‌معرفتی اسلام، با هدف توانمندسازی بینش‌های فلسفی

حاکم بر محیط زندگی و پژوهشی کشور، و مبتنی بر ارتقای هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی حاکم بر محیط زندگی و پژوهشی کشور باشد (شاه‌ولی و کرمی، 1393). سایر کارگاه‌ها می‌تواند شامل محتوای زیر باشد:

- فراگیری فلسفه و جهان‌بینی‌های مختلف با تأکید بر جهان‌بینی و فلسفه اسلامی؛
 - آموختن فلسفیدن و ایجاد روح و بینش فلسفی در پژوهشگران؛
 - تبیین روش‌های پژوهش علمی و شهودی؛
 - چگونگی انجام پژوهش‌های سه‌زمانه و نظام‌گرا؛
 - توان انجام پژوهش‌های نظری و عملی؛
 - کسب توانایی خردورزی و کارورزی پژوهش؛
 - توان تهیه، تدوین و به‌کارگیری روش‌های کمی، کیفی و آمیخته با ابزار متنوع.
3. روش آموزش کارگاه‌ها بدین قرار باشد:

• مدرسان روش پژوهش، باید دوره آموزش بین‌رشته‌ای را گذرانده باشند و دارای پژوهش و تألیفات بین‌رشته‌ای باشند؛

• آموزش‌ها به‌صورت گروهی انجام گیرد و مدرسان با تخصص‌های مختلف در آن شرکت کنند؛

• به جای تأکید صرف بر انتقال اطلاعات یک‌طرفه به پژوهشگران، بین استادان و دانشجویان و دانشجویان با یکدیگر، مباحثه شود تا خردورزی و فلسفیدن در آنان بهتر محقق شود؛

• مکان آموزش به کلاس محدود نشود؛

• با انتخاب موضوع مناسب، کارایی و کارکرد پژوهشگران را افزایش داد؛

• محدودیت‌های زمانی، بودجه‌ای و توانایی پژوهشگران مدنظر قرار گیرد.

4. پشتیبانی از این کارگاه‌ها شامل موارد زیر باشد:

• تهیه و تدوین منابع درسی مبتنی بر مباحث محیط زیست متعالی. اساتید دانشگاه و حوزه، به نگارش متون درسی در عرصه پژوهش بپردازند تا آموزش کارآمدتر روش پژوهش را برای اساتید آینده امکان‌پذیر سازند؛

• تنظیم مناسب ساعات روش آموزش پژوهش؛

- فراهم کردن بودجه لازم برای ایجاد شرایط فراگیری عملی این الگو؛
- تدوین سرفصل مناسب آموزش روش پژوهش به تناسب دوره‌های رسمی و غیررسمی.
- 5. پژوهشگر الگوی پایه محیط زیست برای کارگاه‌های فوق، باید از بین کسانی انتخاب شود که برای تبیین علوم زیست‌محیطی با قرآن، از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد:
 - معتقد و متعهد به تبیین نظری و عملی علوم زیست‌محیطی قرآن باشد؛
 - نوآورانه به تبیین این علوم بپردازد؛
 - این تبیین را با رویکرد فرارشته‌ای انجام دهد؛
 - در حرف و عمل موحد باشد.

فهرست منابع

- ابدی، ب. (1392)، «شبه‌سازی رفتار مصرف انرژی براساس پارادایم محیط زیستی ترویج کشاورزی»، رساله دکترا، دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز.
- افضلی، ر؛ کیانی، و. (1389)، «تبیین جایگاه روش‌های اثباتی و فرائضی در مطالعات جغرافیایی سیاسی و ژئوپلیتیک». پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره 72.
- اصغری لقمجانی، م. (1378)، «تحلیلی بر مباحث مکتب زیست‌محیطی اسلام». در: مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
- اصفهانیان، س. (1384)، «طبیعت از منظر قرآن»، خیال شرقی، شماره 2.
- براون، ل؛ کین، ه. (1374)، برای چند نفر جا هست؟، مترجمان: ح. طراوتی و بهار، ف.، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- جمشیدی، م. ح. (1389)، مبانی روش‌شناسی تبیین با تأکید بر اندیشه سیاسی، چاپ دوم، تهران: دانشگاه امام صادق و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- رمضان اختر، م. (1381)، «به سوی رویکردی اسلامی از توازن زیست‌محیطی»، اقتصاد اسلامی، شماره 8.
- حسنی، م. (1386)، بررسی دیدگاه ارزش‌شناسی علامه طباطبایی و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- جوادی آملی، ع. (1386)، «سیاست حکمت متعالیه»، دوهفته‌نامه پگاه حوزه، شماره 216.
- جوادی آملی، ع. (1386)، اسلام و محیط زیست، قم: مرکز نشر اسراء.
- خمینی، ر. (1374)، ولایت فقیه حکومت اسلامی، چاپ سوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خوردسندی طاسکوه، ع. (1388)، گفت‌وگو میان رشته‌های دانش، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- شاه‌ولی، م. (1375)، «آیا کشاورزی پایدار ریشه در توصیه‌های فنی و یا مذهب و فلسفه دارد؟»، در: مجموعه مقالات اولین سمینار اقتصاد کشاورزی ایران، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- شاه‌ولی، م. (1381)، «تحول رویکردهای حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی»، در: چکیده سمینارهای ارائه‌شده اعضای هیئت علمی دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز.
- شاه‌ولی، م؛ کشاورز، م؛ شریف‌زاده، م. (1386)، «پارادایم اخلاقی - فلسفی متعالی در پژوهش‌های بحران‌های زیست‌محیطی»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال 2، شماره 3 و 4.
- شاه‌ولی، م. (1389)، «تبیین نظام نوآوری متعالیه کشاورزی»، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی وزارت جهاد کشاورزی، گزارش نهایی طرح پژوهشی، شماره 89/3/2279.

- شاه‌ولی، م. (1395)، «روش‌شناسی تولید علم از قرآن با موضوع علم حکومت‌داری ولایت فقیه»، در: اولین همایش چالش‌های گفتمان فراروی آینده انقلاب اسلامی ایران، (لوح فشرده)، بهمن ماه 1395، دانشگاه پیام مرکز شیراز.
- شاه‌ولی، م؛ کرمی، ش. (1393)، «بررسی الگوی متعالی آموزش روش تحقیق برای پایداری با روش ترکیبی»، فصلنامه علمی - پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، شماره 79.
- شاه‌ولی، م؛ کشاورز، م؛ شریف‌زاده، م. (1386)، «پارادایم اخلاقی - فلسفی متعالی در پژوهش‌های بحران‌های زیست‌محیطی»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال 2، شماره 3 و 4.
- شاه‌ولی، م؛ کاظمی، م. (1378)، «سیر نظریه‌های حفاظت خاک و رویکرد آن‌ها در قرن بیست‌ویکم، فصلنامه علمی پژوهشی روستا و توسعه، سال 3، شماره 2.
- شاه‌ولی، م؛ کاظمی، م. (1375)، «ترویج به چه نوع مشارکتی نیازمند است؟ (شناخت‌شناسی ترویج کشاورزی)»، در: مجموعه مقالات اولین سمینار علمی ترویج منابع طبیعی، امور دام و آبزیان، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، دفتر مطالعات و بررسی‌ها، وزارت جهاد سازندگی، جلد اول.
- شاه‌ولی، م؛ کاوری‌زاده، ب. (1378)، «گفتمان پایداری محیط زیست بین پراگماتیسم و دین (اسلام)»، در: مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
- شاه‌مراد، ل. (1390)، «بررسی چگونگی فکر و رفتار زیست‌محیطی بین اعضای هیئت علمی دانشجویان و کارشناسان کشاورزی و منابع طبیعی شهرستان مشهد»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز.
- عابدی‌سروستانی، ا؛ شاه‌ولی، م؛ محقق‌داماد، م. (1386)، «ماهیت و دیدگاه‌های اخلاق زیست‌محیطی با تأکید بر دیدگاه اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی اخلاق در علوم و فناوری، سال 2، شماره 1 و 2.
- عفتی، ق. (1388)، «نوآوری‌های فقهی - سیاسی امام خمینی»، دوهفته‌نامه پگاه حوزه، شماره 255.
- عیوضی، م. ر. (1377)، «رهیافت تصمیم‌گیری در منظر امام‌خمینی با تأکید بر نظام بین‌المللی»، مجله حضور، شماره 24، پایگاه حوزه، تاریخ دسترسی، 1388/1/15.
- فراهانی‌فرد، س. (1385)، «محیط زیست: مشکلات و راه‌های برون‌رفت از منظر اسلام»، اقتصاد اسلامی، شماره 22.
- قانع‌بصری، م. (1374)، جهان انسانی و انسان جهانی، نشر توسعه و صنایع شیمیایی رزین و چسب شمال، صادقی، ه؛ سبحانی‌نیا، م. (1390)، «جایگاه شناخت خود در رفتار اخلاقی انسان»، فصلنامه علمی - پژوهشی اخلاق، سال چهارم، شماره 12.
- طاهرزاده، ا. (1389)، تمدن‌زایی شیعه، چاپ اول، اصفهان: انتشارات لب‌المیزان.
- طباطبائی، س. م. ح. (1390)، «درس‌نامه از تفکر تا علم»، از مجموعه آثار از نگاه المیزان، تهران: انتشارات غنچه.

طراوتی، ح. (1391)، «راه نجات وجود دارد و با بسیجی وسیع و جهانی می‌توان به آن دست یافت»، قابل دسترس در پایگاه اطلاع‌رسانی انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، (تاریخ دسترسی: 1391/5/10): <http://www.jdmppress.com/newsletter1>

متفکر آزاد، م. ع؛ خورشیددوست، ع. م. (1384)، «بررسی تطبیقی جایگاه محیط زیست در الگوی توسعه اقتصادی اسلام و الگوی رایج جهانی»، *علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز*، شماره 19.

محقق داماد، م. (1380)، «الهیات محیط زیست»، *نامه فرهنگستان علوم*، سال 6، شماره 17.

نصر، س. ح. (1389)، *دین و نظم طبیعت*، ترجمه: انشاءالله رحمتی، چاپ سوم، تهران: نشر نی.

نصر، س. ح. (1378)، «دین و بحران زیست‌محیطی»، *نقد و نظر*، شماره 17 و 18.

هاشمی؛ س. (1377)، «انسان و طبیعت در قرآن»، *پژوهش‌های قرآنی*، شماره 15 و 16.

- Abaidoo, S. (1997), "Human-nature Interaction and the Modern Agricultural Regime: Agricultural Practices and Environmental Ethics", Ph. D Dissertation, Dept. of Sociology, University of Saskatchewan, Canada.
- Beckmann, S. C., Kilbourne W. E., Dam Y., Pardo, M. (1997), "Anthropocentrism, Value Systems, and Environmental Attitudes: A Multi-National Comparison", Available at: http://www.uc3m.es/portal/page/portal/grupos_investigacion/sociologia_cambio_climatico/Pardo%20%20Anthropocentrism%20Environmental%20Values%20%28E%20NG%29.pdf.
- Evans, J. C. (2005), *With Respect for Nature: Living as Part of the Natural World*, State University of New York Press.
- Foster, J. B. and Clark, B. (2008), "The Sociology of ecology: Ecological organisms versus ecosystem ecology in the social construction of ecological science, 1926-1935", *Organization & Environment*, 21.
- Heron, J. and Reason, P. (1997), "A Participatory Inquiry Paradigm", *Qualitative Inquiry*, 3 (3).
- Knutsen, L. A. (2009), "Mobile Data Services: Shaping of User Engagements", Available at: http://openarchive.cbs.dk/bitstream/handle/10398/7804/lars_andreas_knutsen.pdf?sequence=4.
- Mather, A. S. (1986), *Land Use*, Longman, UK.
- McDonald, H. P. (2004), *John Dewey and Environmental Philosophy*, State University of New York Press.
- Moseley, A. (2002), *The Philosophy of War*, Algora Publishing, New York.
- Palmer, J. A. (1998), *Environmental Education in the 21st Century: Theory, Practice, Progress and Promise*, Routledge: London and New York.
- Pal, A. (2011), *Islam Means Peace Understanding the Muslim Principle of Nonviolence Today*, Prager Publications, USA.
- Plack, M. M. (2005), "Human Nature and Research Paradigms: Theory Meets Physical Therapy Practice", *The Qualitative Report*, 10: 2.
- Shahvali, M. (2006), "A research epistemology and time scale for the conservation of environment", In: *Proceeding of the First International Conference on Research Methodologies in Science, Engineering and Technology*, Tehran, 30-31 May.
- Tucker, M. E. and Grim, J. (2001), *Series foreword*. In: Grim, J. A. Editor. *Indigenous Traditions and Ecology*, Harvard University Press, Massachusetts.

ریکلوومی

اسلید

پریمر